

کدام یک از پروژه‌های دیزنی شکست خوردند؟

خانواده در برابر محتوای دور از خانواده

به نظرسنجی از بینندگان فیلم‌های انیمیشن دیزنی کرده است. در افق چشم‌انداز بازار، صنعت سینما هنوز نشانه‌هایی از آسیب ناشی از تعطیلی به دلیل کووید-۱۹ نشان می‌دهد. اعداد فروش هفته تعطیلات، در مقایسه با سال گذشته حداقل ۱۰ درصد کاهش یافته است. از آنجایی که فروش گیشه امسال در مقایسه با همین هفته در سال ۲۰۱۹ تقریباً نصف شده است می‌توان ادعا نمود که صنعت سینما همچنان با ماجرابی چالش‌برانگیز روبرو و است. اما این شکست، آینده‌امیدوارکننده‌ای را برای آینده نوید نمی‌دهد. با توجه به شکست‌های استودیو دیزنی طی سال گذشته میلادی، بدنیست تا نگاهی به آثار شکست خورده استودیو دیزنی طی چند سال گذشته بیندازیم تا ببینیم چقدر در آنها درس گرفته‌اند.

خواهد خورد. براساس گزارش‌های ویرایتی، فیلم «دنیای عجیب» دیزنی همچنان در باکس آفیس ضعیف عمل می‌کند. عملکرد ضعیف این اثر آغاز موج شکست برای فیلم‌های انیمیشن دیزنی بود. همان‌طور که توسط Screen Rant گزارش شده است، دنیای عجیب رسماً با کسب امتیازی کمتر از هر فیلم انیمیشنی دیزنی در ۳۱ سال گذشته، به سطر انیمیشن دیزنی در رده‌بندی CinemaScore پایان داد. شرکت تحقیقات بازار CinemaScore که از تماشاگران سینما پس از دیدن فیلم نظرسنجی می‌کند، فاش کرده که دنیای عجیب امتیاز یک اثر «درجه دو» را دریافت کرده است. این امتیاز آن را به اولین فیلم استودیو انیمیشن والت دیزنی تبدیل می‌کند که براساس معیارهای CinemaScore امتیازی تا این حد پایین را دریافت می‌کند. CinemaScore از سال ۱۹۹۱ شروع

و بروس کرونداندولی حتی اگر این موضوع را هم صادق بدانیم باز هم مثال نفض آن را در رده دوازدهم آثار پرفروش تاریخ از استودیو «ایلموینیشن» می‌توان مشاهده کرد؛ «مینیون‌ها: قیام گرو»؛ که می‌توانیم به راحتی بگوییم که قانع نشدیم. سه‌اثر آخر دیزنی در گیشه با زقام فروش و جایگاهی که کسب کرده‌اند، عملاً شکست خورده محسوب می‌شوند. «فرمزد شدن»، «لایتیر» و «دنیای عجیب». شاید بتوان دلیل استقبال متوسط از «لایتیر» را پیشینه شخصیت‌ها و داستان اصلی آن یعنی سری فیلم‌های انیمیشن «داستان اسباب‌بازی» بدانیم؛ ولی این موضوع هم نتوانست نجات بخش این انیمیشن باشد. پیش از این و پس از اکران انیمیشن دیزنی «دنیای عجیب» و فاجعه فروش آن در افتتاحیه، گفتیم که احتمالاً این اثر شکست سنگینی

ش روین فضلعلی زاده
منتقد سینما

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «شکست پلی است برای پیروزی» ولی گویا این ضرب‌المثل برای سران استودیو دیزنی درست تعریف نشده است. استودیویی که هنوز هم پرفروش‌ترین آثار انیمیشن تاریخ را در کارنامه خود می‌بیند چند سالی است که با این رویه خداحافظی کرده و به لطف سیاست‌های «گل درشت» هالیوود، در حال زد دست دادن مخاطبان خود در گیشه سینماها است. شاید هنوز هم برخی از طرفداران دیزنی، دلیل این افت را متوجه فراگیری

گشت جنگل (۲۰۲۱) با ۱۵۱ میلیون دلار ضرر



در عصری که ایده «ستاره فیلم هالیوود» در حال تبدیل شدن به یک اصطلاح باستانی است، «دواین راک جانسون» هنوز یکی از معدود نام‌های بزرگ آثار گیشه‌ای باقی‌مانده در هالیوود است. براساس قایق‌سواری تفریحی در دنیای دیزنی با همین نام، گشت جنگل سوار بر این آمیود که با استفاده از این محبوبیت جادویی، یک سواری تفریحی موفق مانند اقتباس‌های مشابه نظیر اولین قسمت فیلم دزدان دریایی کارائیب که بسیار موفق بود، باشد. اما با وجود بودجه بالای فیلم و قدرت ستارگان، براساس گزارش‌ها «گشت جنگل» در هفته افتتاحیه به ۸۰ میلیون دلار نیاز داشت تا بتواند به سوددهی برسد. اما نمرات ناچیز منتقدان و تأثیرات بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ منجر به ضرر ۱۵۱ میلیون دلاری شد.

مولان (۲۰۲۰) با ۱۵۰ میلیون دلار ضرر



صرف‌نظر از اینکه طرفداران ممکن است در مورد کیفیت بازسازی‌های لایو اکشن دیزنی از انیمیشن‌های محبوبشان چه فکر کنند، آنها ثابت کرده‌اند که دینامیت گیشه هستند. بازسازی‌های «کناب جنگل» و «زیبا و هیولا» و «شیرشاه» با توجه فراوانی روبرو شد، اما بازسازی لایو اکشن «مولان» دیزنی گشت. آغاز همه‌گیری کووید-۱۹، کاهش علاقه به بازسازی‌های لایو اکشن و بحث‌های فراوان پیرامون ساخت خود فیلم، عوامل متعددی بودند که باعث شدند «مولان» حدود ۱۵۰ میلیون دلار در سراسر جهان از دست بدهد.

دنیای عجیب (۲۰۲۲) با ۱۴۷ میلیون دلار ضرر



«دنیای عجیب» یک فیلم بلند پروازانه انیمیشن والت دیزنی است که از CGI و برخی انیمیشن‌های دوبعدی برای زنده کردن دنیای رنگارنگ و هیجان‌انگیز در صحنه سینما استفاده می‌کند. دنیای عجیب حداکشتان فوق‌العاده‌ای داشت (از جمله «جیک جینلن» و «گابریل یونین» و...)، محیط جالبی داشت و «راب هال» به‌عنوان یکی از کارگردانان آن کار می‌کرد (برخی از کارگردانی‌های قبلی «هال» شامل «موناو» و «قهرمان بزرگ» بود). در حالی که باید دیزنی را برای خلق یک فیلم داستان جدید و اورجینال ستود، اما در نهایت اثر، کاری بسیار پرخطر بود، به‌خصوص اکران فیلم در همان دوره‌ای که فیلم سینمایی «پلنگ سیاه» واکاوند برای همیشه، بر سینماها تسلط داشت. دنیای عجیب از نظر منتقدان و البته مسائل مالی شکست خورد.

سرود کریسمس (۲۰۰۹) با ۱۰۰ میلیون دلار ضرر



«سرود کریسمس» (که در ایران با نام «ماجراجای اسکرودج» هم شناخته می‌شود) به نویسندگی و کارگردانی «رابرت زمکس»، اقتباسی انیمیشنی از داستان معروف «چارلز دیکنز» و سومین فیلم انیمیشنی زمکس بعد از «قطار سریع قطبی» و «پیولف» بود که با تکنیک موشن کیچر تولید شد. (سال ۲۰۰۹، تکنیک موشن کیچر با استقبال مخاطبان و منتقدان روبرو شده بود. در حالی که بازی جیم کری و گری اولدن مورد تحسین قرار گرفت، فیلم در نهایت به دلیل لحن بیش از حد تیره، فیلمنامه در هم و برهم و CGI نادرست، با استقبال متفاوتی مواجه شد. یک سرود کریسمس در گیشه جهانی با ضرری میلیون دلاری!

مریخ به مادران احتیاج دارد (۲۰۱۱) با ۲۰۰ میلیون دلار ضرر



آخرین میخ تابوت انیمیشن سبک موشن کیچر را «مریخ به مادران احتیاج دارد» با شکست هم در وادی نقد هم در گیشه زد. در حالی که «ایرنت زمکس» کارگردانی و نویسندگی «سایمون ولز» را رها کرده بود، تغییر در رهبری باعث شد که فیلم توسط منتقدان مورد توجه قرار نگیرد. جلوه‌های موشن کیچر منسوخ شده بود و نوشته‌های فیلم چیزی زیادی را برای روایت باقی گذاشت. پس از اکران فیلم، استودیو پشتیبان فناوری تصویربرداری موشن کیچر اثر یعنی ImageMovers Digital تعطیل شد. با زبان ۲۰۰ میلیون دلاری، مریخ به مادران احتیاج دارد سمبل بدترین فیلم برای بسیاری از استودیوها خواهد بود.

سرزمین فردا (۲۰۱۵) با ۱۷۰ میلیون دلار ضرر



فیلم دیگری که براساس یکی از جاذبه‌های پارک تفریحی دیزنی ساخته شده است، «سرزمین فردا» تلاشی از سوی استودیو برای ساخت فرنچایزی شبیه به دزدان دریایی کارائیب بود. در حالی که در این فیلم یک بازیگر فوق ستاره یعنی «جورج کلونی» حضور داشت و توسط «برد برده» کارگردانی شد (مغز متفکر پشت آثار موفق تولیدشده‌ای مانند «شگفت‌انگیزان»، «غول آهنین»، «راتاتوی» و «ماوریت غیرممکن ۴: پروتکل ارواح»)، سرزمین فردا نتوانست مخاطبی پیدا کند. سرزمین فردا به دلیل عدم وجود بازیگرایی قوی پیش از اکران در سال ۲۰۱۵، نتوانست شکوه لازم را به دنیای واقعی منتقل کند. با عملکرد ضعیف در ایجاد کمپین تبلیغاتی و ضرر حدود ۱۷۰ میلیون دلاری در گیشه، هرگونه برنامه‌ریزی برای پروژه‌های آینده در خصوص سرزمین فردا پایان یافت.

قرمز شدن (۲۰۲۲) با ۱۶۷ میلیون دلار ضرر



مانند دنیای عجیب، «قرمز شدن» هم نمونه دیگری از شاخه انیمیشن دیزنی است که نتوانسته مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهد. هرچند قرمز شدن را باید به خاطر اینکه اولین فیلم پیکسار است که توسط یک خانم کارگردانی شده («دنی شی»، که قبلاً انیمیشن کوتاه تحسین شده «بانو» را کارگردانی کرده بود) تحسین کرد، با این حال این فیلم از نظر فروش، ضعیف عمل کرد. در حالی که این فیلم مورد ستایش منتقدان قرار گرفت، از نظر مالی وضعیت خوبی نداشت. تصمیم دیزنی برای اکران «قرمز شدن» در دو پلتفرم سینما و سرویس پخش خود یعنی Disney+ و ضعف در جذب مخاطب عام و خانواده‌ها باعث عملکرد ضعیف فیلم شد و در نتیجه استودیو ۱۶۷ میلیون دلار در گیشه از دست داد.

جان کارتر (۲۰۱۲) با ۲۴۰ میلیون دلار ضرر



«جان کارتر» براساس رمان تحسین شده «شاهزاده خانم مریخ» نوشته «ادگار رایس باروز»، تلاشی از سوی دیزنی برای ساخت یک اثر پرفروش بود و تمام عناصر یک فیلم محکم را داشت؛ منبع عالی، یک کارگردان با استعداد (اندرو استانتون)، که قبلاً فیلم «وال-ای» و «در جست‌وجوی نمو» را کارگردانی کرده بود) و جلوه‌های ویژه چشمگیر. در مجموع جان کارتر استقبال متوسطی به‌دست آورد. بسیاری به فقدان قدرت قابل‌توجهی ستاره و بازیگرایی ضعیف اشاره می‌کنند که به نظر می‌رسد به‌طور جدی فیلم را از رمان دور می‌کند به‌عنوان مثال، ابتدا جان کارتر اهل «مریخ» بود اما قبل از تولید، تغییر کرد. این حماسه علمی فانتزی با نزدیک به ۲۴۰ میلیون دلار ضرر سراسر جهان، به امید فیلم‌های بیشتر در آینده پایان داد. فاجعه‌ای که در داخل استودیو به تغییر مدیرعامل هم منتهی شد!

رنجر تنها (۲۰۱۳) با ۲۳۰ میلیون دلار ضرر



«رنجر تنها» در سال ۲۰۱۳ درست بعد از اینکه برگ برنده پولساز دیزنی یعنی «فیلم‌های دزدان دریایی کارائیب» به پایان سفر خود رسید، اکران شد. این فیلم قرار بود به‌عنوان اثر پولساز بزرگ بعدی دیزنی به بازار عرضه شود، اما حتی با وجود حضور فوق ستاره‌ای مانند «جان دی پی»، این یک قمار بزرگ برای شرکت بود. سقوط رنجر تنها به دلیل افزایش شدید بودجه فیلم از سقف مورد انتظار بود. فروش این فیلم در سرتاسر جهان به ۲۳۰ میلیون دلار رسید که قابل توجه است اما با توجه به بودجه تولید و بازاریابی فیلم که ۲۵۰ میلیون دلار بود، کافی نبود، رنجر تنها ۲۲۰ میلیون دلار برای دیزنی از دست داد.

سیزدهمین جنگجو (۱۹۹۹) با ۲۱۰ میلیون دلار ضرر



نام والت دیزنی در ساخت «سیزدهمین جنگجو» دیده نمی‌شود اما دیزنی در ساخت و اکران این فیلم در سال ۱۹۹۹ نقش داشته است. قبل از اینکه دیزنی بیشتر صنعت فیلم را در اختیار داشته باشد، وقتی می‌خواستند فیلم‌هایی را اکران کنند که مطابق با برند معمولی سرگرمی که در آن تخصص داشتند نبود، از «تاج استون پیکچرز» برای تولید این پروژه‌ها استفاده می‌کردند. در حالی که دیزنی شاهد موفقیت‌های زیادی در گیشه تحت نام تاج استون بود، قطعاً سیزدهمین جنگجو یکی از آنها نبود. سیزدهمین جنگجو به دلیل کارگردانی «جان مک نیرنان» (کارگردان آثاری نظیر «جان سخت» و «غارنگو») جلوه‌های بصری و دکوراسیون صحنه، مورد ستایش قرار گرفت، اما به دلیل یک سری اشکالات مورد نقد نیز واقع شد. حضور یک قهرمان مثلاً مسلمان در سرزمین‌های شمالی در حالی که هیچ تعریف درستی از این موضوع در داستان وجود نداشت، و اشکالات زیادی که به رفتارهای این شخصیت وجود داشت، منتج به ضرر کلی ۲۱۰ میلیون دلاری در گیشه جهانی شد.

با نگاهی به این لیست با ضرری نزدیک به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار مواجه می‌شویم! جدا از این موضوع که تعدادی از این آثار، فیلم‌های زنده و غیرانیمیشنی بودند و تأثیرات کووید-۱۹ بر فروش برخی از آنها، یک نکته مشترک را در میان دلایل این شکست‌ها می‌توان مشاهده کرد؛ «داستان و محتوا!» حتی با وجود حضور ستاره‌های سینمای هالیوود و حتی کارگردان‌هایی با سابقه بسیار درخشان به‌خصوص در بخش انیمیشن، این ضعف و اشکال با هم باعث شده این آثار با فاجعه مواجه شوند. این موضوع با توجه به مخاطبان عمومی آثار و تولیدات سینمایی استودیو دیزنی یعنی خانواده‌ها و سابقه این استودیو، کمی غیرعادی به نظر می‌رسد. برای درک بیشتر این فاجعه در تولیدات دیزنی لازم نیست خیلی در تاریخ جست‌وجو کنیم. هشت‌اثر از ۱۰ اثر پرفروش تاریخ سینمای انیمیشن جهان، از آثار دیزنی هستند: «بیخ‌زده»، «داستان اسباب‌بازی»، «در جست‌وجوی دوری»، «شگفت‌انگیزان»، «زوتوپیا» و «شیرشاه» و سهم دیزنی در سال ۲۰۲۲ با فاصله در رده‌های بالاتر از ۱۰۰ قرار دارد.

اما دلیل این شکست چیست؟ دیزنی یک استودیو تولید آثار خانوادگی محسوب می‌شود و بخش عمده‌ای از این آثار در قالب انیمیشن در سراسر جهان شناخته شده‌اند. شاید در نگاه اول انیمیشن‌ها برای مخاطبان کودک و خانواده تولید و اکران می‌شود و سال‌ها هم همین موضوع در دستور کار دیزنی قرار داشت ولی با تغییرات سیاست‌های هالیوود در تولیدات و همچنین اصلاح برخی قوانین نانوشته برای نامزدی جوایز اسکار، آنها هم سوار بر این موج شدند و حرکتی را که شاید پیش از این به‌صورت کم‌رنگ و زیرپوستی اجرا می‌کردند، پررنگ‌تر کردند.

حضور شخصیت‌های همچون مینگو یا رنگین پوست با اقلیت مذهبی یا آسیایی یا معلول جسمی در آثار به یک باید نانوشته تبدیل شد و در نتیجه قداست و آرامش محیط خانواده دچار اختلال شد.

این موضوع که همجسگرایی در تمام ایالت‌های آمریکا پذیرفته شده، دلیلی بر پذیرفته‌شدن بودن این موضوع در طین جامعه و خانواده‌ها (ولو جامعه به‌ظاهر آزاد آمریکایی) نیست و حتی این اقلیت هنوز هم برای ورود به اجتماعات داخلی، تلاش و تقلا می‌کنند. با این حال به‌شکل عجیبی هالیوود تلاش دارد به‌شکلی غیرعادی برای عادی‌سازی این موضوع تصویرسازی کند.

حضور قهرمانان رنگین پوست به‌خصوص سیاه‌پوست در انیمیشن‌های دیزنی درحالی‌که هنوز پرخورده‌ای نژادپرستی در عمق وجود جامعه آمریکا رخنه و

خداحافظی دیزنی با دوران طلایی

اولاً نمایش این موضوع باعث می‌شود رده‌بندی سنی اثر بالا برود که سبب افت فروش در گیشه به‌دلیل عدم تمایل خانواده به دیدن آن با کودکان خود می‌کند و در ناتی نمایش مفاهیم مربوط به سنین بلوغ در دختران نیاز به‌دقت و ظرافت بیشتری دارد که نمونه آن را در انیمیشن سینمایی «همین دیروز» (Only Yesterday) از آثار استودیو «جیبلی» می‌توان دید یا در انیمیشن «دنیای عجیب» نمایش قهرمان اصلی داستان که تلاش دارد گرایش‌های جنسی خود را به خانواده‌اش بقبولاند، برای کودکان اصلاً مناسب نیست، بنابراین چرا باید یک خانواده با کودکان خود‌راهی سینما و تماشای اثری شوند که طی آن باید مدام موارد مختلف را به فرزندان‌شان توضیح بدهند؟

در کنار این موضوع، داستان و گیرایی آن یکی دیگر از عناصر مهم در بحث محتوا محسوب می‌شود. مخاطب براساس سلیقه، ذائقه و البته میزان درک خود از مسائل و مفاهیم، اقدام به انتخاب یک اثر می‌کند و نباید فراموش کنیم که سینما و انیمیشن از عناصر مهم صنعت «سرگرمی» محسوب می‌شوند؛ اما داستان‌های آثار جدید دیزنی به‌شدت ساده و تکراری شده‌اند که با گذشت زمان کوتاهی از داستان، حس زدن ادامه و حتی انتهای آن برای مخاطب آسان است، بنابراین خیلی درگیر اتفاقات اثر نمی‌شود و در نتیجه اثر، جذابیت خود را از دست می‌دهد. شاید بتوانیم آثار معدودی را با داستانی کمی متفاوت نام ببریم که اتفاقاً با استقبال مواجه شده‌اند؛ آثاری مانند «قهرمان بزرگ» یا «بیخ‌زده» یا حتی «مینیون‌ها» (که البته اثر دیزنی نیست ولی به‌عنوان اثری موفق با داستانی جذاب و البته استفاده خوب از موفقیت‌های قبلی می‌توان از آن نام برد)؛ اما به‌عنوان مثال در انیمیشن «لایتیر»، شخصیت‌های آنقدر از داستان اورجینال شخصیت اصلی دور شده‌اند که دیگر نه کودک امروز به‌عنوان مخاطب جدید آنها را به‌عنوان قهرمانان جدید خود جدی می‌گیرد و نه کودک قدیم؛ در خاطرات خود جایی در کنار داستان‌های اسباب‌بازی و اسباب‌بازی‌های دوست‌داشنتی آن، به این دار و دسته «باز لایتیر» و تیمش می‌دهد.